



چالش‌های جدید در روابط آلمان و آمریکا و پاسخ برلین

در پی تحولات سیاسی در ایالات متحده و زروی کار آلمدن دولتی مشابه دوران دونالد ترامپ (در یک سناریوی فرضی پس از سال ۲۰۲۴)، آلمان خود را با چالش‌های بنیادینی در روابط فراآتلانتیک مواجه می‌بیند، سه‌رکن اصلی این روابط - تجارت، امنیت و ارزش‌های مشترک - تحت فشار فزاینده‌ای قرار گرفته‌اند. آسیب‌پذیری اقتصادی آلمان در برابر تعرفه‌های تجاری آمریکا (با توجه به سهم ۴ درصدی صادرات به آمریکا در تولید ناخالص داخلی) و وابستگی امنیتی دیرینه‌اش به ناتو و حضور نظامی آمریکادر اروپا (شامل میزبانی نیروها و تسلیحات هسته‌ای)، با تردیدهای جدی درباره تعهدات آینده واشنگتن روبه‌رو شده است. اقدامات و اظهارنظرهایی مانند سیاست‌های خصمانه‌تلقی شده در قبال اوکراین، تمایل به مذاکره با روسیه بدون هماهنگی با اروپا، و اظهارات جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور فرضی آمریکا، در کنفرانس امنیتی مونیخ در فوریه ۲۰۲۵، این نگرانی‌ها را تشدید کرده است. سخنرانی ونس در مونیخ، که در آن دولت‌های اروپایی به سرکوب آزادی بیان متهم شدند و مسائل داخلی اروپا تهدیدی بزرگتر از روسیه یا چین برای دموکراسی خوانده شد، نقطه عطفی در تفکر استراتژیک آلمان بود. انتقاد علنی ونس از نحوه برخورد اروپا با احزاب پوپولیست (مشخصاً حزب AfD آلمان) و دیدار خصوصی او با رهبر این حزب، در برلین به عنوان مداخله در امور داخلی و نقض حاکمیت تلقی شد و زنگ خطر را برای نخبگان سیاسی آلمان به صدا درآورد. این رویدادها پیش‌فرض‌های اساسی درباره همسویی ارزشی و استراتژیک با آمریکا را به چالش کشید. در پاسخ به این وضعیت، صدراعظم جدید فرضی آلمان، فریدریش مرش، که پیشتر از حامیان روابط فراآتلانتیک بود، از لزوم حرکت به سمت استقلال راهبردی بیشتر اروپا سخن گفت. این تغییر رویکرد با یک تصمیم مالی تاریخی همراه شد: مستثنی کردن هزینه‌های دفاعی (فراتر از سقف‌های معمول) از قانون سختگیرانه «ترمز بدهی» آلمان. این اقدام پتانسیل آزادسازی منابع مالی هنگفتی را دارد و می‌تواند بودجه دفاعی آلمان را به ۳ تا ۴ درصد تولید ناخالص داخلی برساند. همزمان، یک صندوق عظیم ۵۴۷ میلیارد دلاری برای نوسازی زیرساخت‌های حیاتی کشور (حمل‌ونقل، انرژی، دیجیتال، آموزش) معرفی شد. این مجموعه اقدامات، که به عنوان دومین «زایش‌ون‌ده» (تحول دوران‌ساز) آلمان پس از واکنش به جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ توصیف می‌شود، نه‌تنها محرک اقتصادی، بلکه تلاشی برای ایجاد «انعطاف‌پذیری ژئوپلیتیک» در برابر آمریکای غیرقابل پیش‌بینی است. این تحول دوران‌ساز دوم، پاسخی به این آگاهی فزاینده است که آلمان شاید مجبور شود در آینده، کمتر به حمایت آمریکا تکیه کند. با وجود این چرخش استراتژیک، آلمان همچنان محتاطانه عمل می‌کند. اسناد رسمی دولت، مانند معاهده انتلافی، بر تعهد به روابط با آمریکا تأکید دارند و از ادبیات جدایی‌طلبانه رهیزم می‌کنند. سیاست‌گذاران آلمانی نگران تشدید تنش هستند و به دنبال کاهش اختلافات تجاری و مدیریت مسائل امنیتی از طریق گفت‌وگو هستند. مرش همچنان به دنبال کاهش تعرفه‌ها و حتی امکان سنجی توافق تجارت آزاد با آمریکا است. در حوزه امنیتی، ضمن پیگیری رایزنی با فرانسه و بریتانیا برای تقویت بازدارندگی اروپایی، گفت‌وگوهای اولیه‌ای نیز با ناتو و واشنگتن برای مدیریت کاهش احتمالی نیروهای آمریکایی در اروپا آغاز شده است. برلین آماده تعامل مجدد با آمریکا است، اما بازگشت به اعتماد و وابستگی گذشته، دیگر ممکن به نظر نمی‌رسد. این تغییرات، آلمان را در برابر یک دوراهی قرار داده است. با پتانسیل تبدیل شدن به سومین اقتصاد بزرگ و یکی از بزرگترین هزینه‌کنندگان نظامی جهان، و با اعتبار خود به عنوان یک قدرت متعهد به نظم بین‌المللی و چندجانبه‌گرایی، آلمان می‌تواند نقش جهانی برجسته‌تری ایفا کند. اما موانع قابل توجهی وجود دارد: رکود اقتصادی ناشی از هزینه‌های انرژی و رقابت با چین، آسیب‌پذیری تجاری در برابر آمریکا و چین، قدرت‌گیری راست افراطی در داخل، و مهمتر از همه، فرهنگ سیاسی محتاط و اکراه تاریخی از پذیرش نقش رهبری یک‌جانبه. در مواجهه با این واقعیت جدید، استراتژی آلمان بر احیا و تعمیق مشارکت‌های چندجانبه متمرکز است. اولویت اصلی، دستیابی به انعطاف‌پذیری و تأثیرگذاری از طریق همکاری در چارچوب اتحادیه اروپا، ناتو، و گروه‌های کوچکتر مانند E۷ و مثلث وایمار، و همچنین تقویت روابط با شرکای استراتژیک در سراسر جهان (مانند کانادا، هند، ژاپن، استرالیا) است. آلمان عمیقاً نگران فرسایش نظم بین‌المللی لیبرال توسط سیاست‌های آمریکا است، نظمی که خود از آن منتفع شده، اما چون جایگزین بهتری نمی‌بیند، همچنان به دفاع از آن از طریق ابزارهای چندجانبه‌پایند است.



❖ بیابید فقط برای ادامه بحث تصریح کنیم که شما در مورد تمام اتفاقاتی که می‌گویید برایتان افتاده، حق دارید. اما اکنون دوباره به اوج قدرت رسیده‌اید. آیا بهتر نیست وقت خود را صرف تمرکز بر چین و تمام مسائل مهم دیگر کنید، نه انتقام‌گیری علیه افرادی که فکر می‌کنید چهار یا هشت سال پیش شما را آزار و اذیت کردند؟

شما دونوع آدم دارید. بعضی‌ها می‌گویند: «شما همین الان یکی از بزرگترین انتخابات تاریخ کشور مان را داشتید. بروید کار بزرگی انجام دهید، دوران خدمت خود را بگذرانید و دوباره آمریکا را بزرگ کنید.» درست است؟ سپس گروهی از افراد را دارید که می‌گویند: «این کار را انجام دهید. بروید و کار بزرگی انجام دهید. اما نمی‌توانید بگذارید مردم از مجازاتی که از آن قسر در رفته‌اند، فرار کنند.» من در گروه اول هستم، باور کنید‌بانه.

❖ مطمئن نیستیم که بتوانم باور کنم.

بله. اما بسیاری از افرادی که در دولت هستند اینطور نیستند. آنها احساس می‌کنند که با من واقعاً بدرفتاری شده است و چیزهایی هست که شمامی‌گویند من در آنها نقشی داشتیم که در واقع نداشتم. اما افرادی بودند که از من انتقام گرفتند. افرادی در این دولت که دونالد ترامپ را دوست دارند یا عاشق او هستند و عاشق MAGA هستند و عاشق همه چیز آن هستند، به دنبال انتقام هستند. من فکر می‌کنم این مهمترین جنبش سیاسی در تاریخ کشور مان است. **❖ بزرگتر از تأسیس حزب جمهوری‌خواه در دهه ۱۸۵۰ ؟**

نه، نه، نه. اما یک جنبش بزرگ است. جنبش‌های کمی مانند آن وجود داشته است. بنابراین، این فقط یک جنبش شگفت‌انگیز بوده است و فکر می‌کنم وفاداران زیادی دارم. من افرادی دارم که از این نحوه برخورد با من خوششان نمی‌آید.

❖ چیزی که نمی‌توانم به آن فکر نکنم این است که شما یکی از موفق‌ترین افراد تاریخ هستید، درست است؟ شما دوبار ریاست جمهوری را برده‌اید...

سه بار.

❖ دقیقاً سؤال همین است ادر این برهه از دوران حرفه‌ای‌تان، فکر نمی‌کنید بتوانید از این ایده که در سال ۲۰۲۰، برنده شده‌اید، دست بردارید؟ منظورم این است که من باور نمی‌کنم که شما در انتخابات ۲۰۲۰ برنده شده‌اید.

من از شما نمی‌خواهم باور کنید.

❖ اکثر مردم باور ندارند که شما در انتخابات ۲۰۲۰ برنده شده‌اید. بسیاری از مردم باور ندارند که شما برنده شده‌اید. ببینید، برای من آسان است که وقتی این را می‌گویید، فقط پاسخ ندهم و می‌توانم بگذارم ادامه دهید. اما من آدم بسیار صادقی هستم. من می‌دانم که در انتخابات تقلب شده است. بایدن ۸۰ میلیون رأی نیاورد و او با رأی سیاه‌پوستان در ایالت‌های چر خشی، باراک حسین اوباما را شکست نداد. ما شواهد زیادی داریم. منظورم این است که ما اطلاعات زیادی داریم. از ۵۱ مأمور گرفته تا لپ‌تاپ جهنمی، تا همه این چیزهای مختلف. بنابراین، همانطور که شما می‌گویید، راحت‌تر است که بگذارم ادامه دهید. اما من آدم بسیار صادقی هستم و با تمام وجودم به آن اعتقاد دارم، و با واقعیت به آن اعتقاد دارم. من براساس واقعیت به آن اعتقاد دارم. و چهار سال بدی برای این کشور گذشت. این کشور مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. ما رئیس‌جمهوری داشتیم که واقعاً بدبود.

❖ فکر می‌کنم کانادایی‌ها شما مخالف باشند.

کانادایی‌ها. مشکلی که من با کانادا دارم این است: ما سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار به آنها یارانه می‌دهیم و ما به بنزین آنها نیاز نداریم؛ به نفت آنها نیاز نداریم؛ به چوب آنها نیاز نداریم. ما به هیچ نوع انرژی آنها نیاز نداریم. ما به هیچ چیز آنها نیاز نداریم. من می‌گویم که کانادا یک ایالت پنجاه‌ویکم عالی خواهد بود. من عاشق کشورهای دیگر هستم. من عاشق کانادا هستم. من دوستان خیلی خوبی در کانادا دارم. وین‌گرترکی دوست من است. منظورم این است که من دوستان خیلی خوبی دارم. به‌ویون گفتم: «من به‌توبی اعتنایی می‌کنم، وین.» نمی‌خواهم اعتبار او را در کانادا خراب کنم. گفتم: «فقط وانمود کن که من را نمی‌شناسی.» اما آنها آدم‌های خیلی خوبی هستند. می‌دانید، آنها ۹۵ درصد از تجارت خود را با ما انجام می‌دهند. به یاد داشته باشید، اگر آنها یک ایالت ما باشند، هیچ تعرفه‌ای وجود ندارد. آنها مالیات کمتری خواهند پرداخت. ما باید از آنها به‌صورت نظامی محافظت کنیم.

❖ شما واقعاً می‌خواهید که آنها به یک ایالت آمریکا تبدیل شوند؟

فکر می‌کنم عالی می‌شود.

❖ یک ایالت دموکرات بسیار بزرگ؟

خیلی‌ها این را می‌گویند، اما اگر لازم باشد، من با آن مشکلی ندارم، چون فکر می‌کنم، می‌دانید، در واقع، تا اینکه من آمدم...

❖ من نابغه سیاسی نیستیم، اما می‌دانم که آنها به کدام سمت رأی خواهند داد. آنها پزشکی را هم سوسیالیستی کرده‌اند.

می‌دانید، تا زمانی که من آمدم، به یاد داشته باشید که محافظه‌کاران کانادا با ۲۵ امتیاز پیشتاز بود.

❖ درست است.

پس من به اندازه کافی مورد تنفر کانادایی‌ها قرار گرفته‌ام که انتخابات را به یک رقابت نزدیک تبدیل کردم، درست است؟ من حتی نمی‌دانم که آیا این یک رقابت نزدیک است یا نه. اما محافظه‌کاران، فرماندار تروود را خیلی دوست نداشتند، و من او را فرماندار تروود صدا می‌زدم، اما او از این خوشش نمی‌آمد.

❖ سازمان ترامپ کلاه‌های «ترامپ ۲۰۲۸» را می‌فروشد. آیا در مورد نامزدی برای بار سوم به دنبال اجازه قانونی بوده‌اید؟

نه.

❖ من این بار به شما و ریاست جمهوری شما نگاه می‌کنم، و شما بسیاری از هنجارها، هنجارهای دموکراتیک را زیر پا گذاشته‌اید.



مشکلی که من با کانادا دارم این است: ما سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار به آنها یارانه می‌دهیم و ما به بنزین آنها نیاز نداریم؛ به نفت آنها نیاز نداریم؛ به چوب آنها نیاز نداریم. ما به هیچ چیز آنها نیاز نداریم. ما به هیچ چیز آنها نیاز نداریم. من می‌گویم که کانادا یک ایالت پنجاه‌ویکم عالی خواهد بود. من عاشق کانادا هستم. کشور‌های دیگر هستم. من عاشق کانادا دارم

▲ گتس/Getty Images

این یک فروپاشی بزرگ خواهد بود، اینطور نیست؟

❖ بزرگ‌ترین فروپاشی است.

خب، شاید من فقط سعی می‌کنم همه چیز را در هم بشکنم.

❖ آیا این یک هنجار شکنی خیلی شدید نیست؟

هر جا که می‌روم مردم همیشه فریاد می‌زنند، «۲۰۲۸!» آنها خوشحال هستند. مردم از این ریاست‌جمهوری بسیار راضی هستند. من به جز فاکس، نظرسنجی‌های خیلی خوبی داشتم. فاکس هیچ‌وقت نظرسنجی‌های خیلی خوبی به من نمی‌دهد، اما حتی در فاکس هم نظرسنجی‌های خیلی خوبی دارم. اما فاکس هیچ‌وقت نظرسنجی‌های خوبی به من نمی‌دهد. فاکس از خیلی جهات به خاطر این موضوع مایه ننگ است. اما، می‌دانید، من امروز چیزی نوشتم، گفتم: «روبرت مرداک سال‌هاست که به من می‌گوید از نظر سرسنجی کنندگانش خلاص می‌شود»، اما آنها هرگز این کار را نکرده‌اند؛ آنها هرگز با من، درست رفتار نکرده‌اند. اما من نظرسنجی‌های خیلی خوبی داشتم، از جمله در فاکس.

❖ ترامپ ۲۰۲۸، هنجاری نیست که شما حاضر باشید آن را بشکنید؟

خب، فقط این را به شما می‌گویم. نمی‌خواهم واقعاً در موردش صحبت کنم، اما این چیزی نیست که من به دنبال انجام آن باشم. این چیزی نیست که من به دنبال انجام آن باشم و فکر می‌کنم انجام آن کار خیلی سختی باشد. اما به من گفته‌اند: «نه، نه، باید کاندیدا شوی.»

❖ شما در مورد انتقال مجرمان آمریکایی به زندان‌های خارجی صحبت کرده‌اید. شما از دادگاه‌ها به دلیل الزام مراحل دادرسی برای اخراج مهاجران بدون مدرک در اینجا در کشور انتقاد کرده‌اید. آیا به نظر شما محدودیت‌های مشخصی برای میزان پیشروی شما وجود دارد؟

بله.

❖ یادآیدلیلی وجود دارد که یک شهروند آمریکایی نگران رعایت حقوق دادرسی خود توسط دولت شما باشد؟ اوه، می‌توانید آن را باز کنید؟ آن را بکشید. [او به کارولین لیویت، سخنگوی کاخ سفید، دستور می‌دهد پرده‌های آبی محافظ اعلامیه استقلال را بکشد.]

کارولین چطور است؟ کارولین چطور است؟ خوب است؟ کارش را خوب انجام می‌دهد؟

❖ کارولین؟ او با من خیلی سختگیر است.

اوه، اوه، اینطوره؟ اوه.

❖ اوه، بله.

من این را نمی‌دانستم.

❖ احتمالاً با گفتن این حرف باعث افزایش حقوقش شدم.

وای.

❖ کارولین لیویت: من یک جلسه توضیچی کامل در مورد جفری گلدبرگ برگزار کردم.

اوه، واقعاً؟ اوه، او می‌تواند سرسخت باشد. او می‌تواند سخت‌گیر باشد. به هر حال، خیلی باحال است.

❖ بنابراین سوال اصلی این بود آیا شهروندان آمریکایی باید

نگران فرستاده شدن به زندان‌های خارجی باشند؟

من این را گفتم؟

❖ بله، و موضوعی که دادگاه‌ها مطرح کرده‌اند این است که افرادی که به حضور غیرقانونی در اینجا متهم می‌شوند، بدون طی مراحل قانونی اخراج می‌شوند. این احتمال را افزایش می‌دهد که اگر روند قانونی طی نشود، کسی به طور تصادفی با نادرست دستگیر و اخراج شود.

خب، آنها از اول غیرقانونی اینجا بودند.

❖ اما اگر اشتباهی رخ دهد چه؟ ممکن است فرد اشتباهی را انتخاب کنید، درست است؟

بگذارید به شما بگویم که هیچ چیز در این دنیا هرگز بی‌نقص نخواهد بود. اما اگر در مورد آن فکر کنید: کلینتون، بوش و هر رئیس‌جمهور قبل از من؛ هیچ‌کس تا به حال وقتی مهاجران به اصطلاح غیرقانونی در کشور داشتند، به چالش کشیده نشده است. آنها را کشور خارج کردند و خیلی راحت و با موفقیت آنها را خارج کردند. من، الان با این فرد MS-۱۲ از کجا، از کجا - او اهل کجاست؟ از کجا آمده است؟ **❖ اما در مورد آمریکایی‌هایی که به طور غیرقانونی اینجا نیستند و ممکن است مرتکب جرم شده باشند، چه؟ آیا احساس می‌کنید که روند قانونی برای آنها تضمین شده است؟**

اگر شخصی به طور قانونی در کشور باشد؟ این تفاوت بزرگی بین حضور قانونی و غیرقانونی در کشور است. این افراد، همه آنها، به طور غیرقانونی در کشور هستند. بنابراین ما ۲۵۰،۰۰۰ نفر داریم که می‌خواهیم آنها را ببریم کنیم. آنها افراد خشن و سرسختی هستند، خشن، سرسخت، و من گفتم «اگر»، «اگر»، در مورد زندان خارج جی، «اگر قانونی باشد» و من همیشه می‌گویم «از قانونی باشد»، من عاشقش هستم، شما افرادی را دارید که ۲۸ بار حکم گرفته‌اند.

افرادی که مدام به زندان می‌روند، با فاصله بیرون می‌روند و کسی را کتک می‌زند یا به کسی آسیب می‌زند، یا کار خیلی بدی انجام می‌دهند، و بر می‌گردند، و مثلاً ۲۸ حکم مختلف دارند.

❖ شما هنوز معتقدید که قوه قضائیه یک قوه مستقل از دولت است و شما در نهایت از هر چه دیوان عالی بگوید پیروی خواهید کرد؟

اوه، بله، نه، من همیشه همراه بوده‌ام. البته همیشه با این تصمیم موافق نبوده‌ام، اما هرگز کاری جز مراعات انجام نداده‌ام، نه، شما باید این کار را انجام دهید و با این اوصاف، ما قضاتی داریم که بسیار بسیار سخت‌گیر هستند. من معتقدم که شما می‌توانید یک پرونده ۱۰۰ درصد داشته باشید - به عبارت دیگر، پرونده‌ای که قابل باخت نیست - اما ممکن است به شدت بخواهید باریزد. برخی از این قضات واقعاً ناعادلانه حکم می‌دهند. اما من می‌گویم، جف - من می‌گویم «اگر قانونی باشد» - من همیشه با این جمله شروع می‌کنم، زیرا فکر می‌کنم استاندارد متفاوتی را تعیین می‌کند.

❖ در وال استریت صحبت‌هایی وجود دارد که آنها «قرارداد ترامپ» می‌نامند، به این معنی که یک کف برای میزان سقوط بازار وجود دارد، زیرا اگر ما به سمت رکود اقتصادی پیش